

امروز در تاریخ:

- صدور قتوای امام خمینی(ره) علیه کتاب آیات شیطانی ۱۳۶۷(ش)
- درگذشت غلام رضا طباطبایی بازیگر ۱۳۸۴(ش)
- درگذشت بهمن جالی، عکاس ۱۳۸۸(ش)

شنبه ۲۵ دی ۱۴۰۰ | ۱۲ جمادی الثانی ۱۴۴۳ | ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۶۱۳۰

jamjam

شماره ۱۷۵۵-۱۶۳۷ | شاپگاه اطلاع رسانی: www.jamejamonline.ir | کد پستی: ۱۹۱۶۱۸۴۱۳ | پست الکترونیک: info@jamejamOnline.ir

Saturday - January 15, 2022

بخارالنوار

حدث روز: امام موسی کاظم(ع)
اصحیت برای شکنی‌ایمک است و برای بی‌قرار دوست است.

حافظ: قدر مجموعه‌گل مرغ سحرداند و بس کنه‌های کوچکی از خواندن معانی داشت.

وقایت شرعی: اذان آفتاب: ۱۲/۱۲/۱۴؛ نیمه شب شرعی: ۱۷/۱۲/۱۴؛ اذان مغرب: ۲۳/۱۲/۱۴؛ اذان صبح (فردا): ۵/۱۴/۱۵؛ طلوع خورشید (فردا): ۷/۱۳/۱۵.

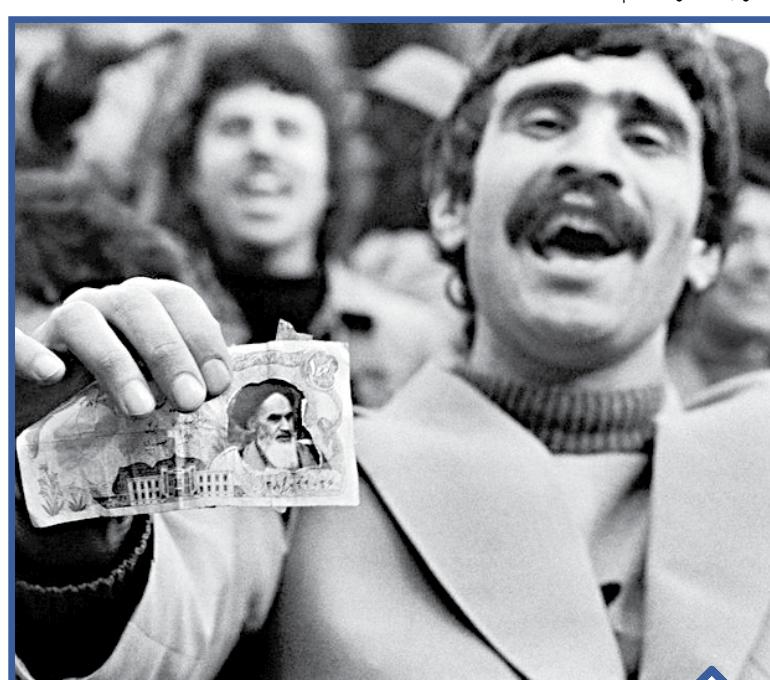
نحوی‌بلاغه:

حکمت ۳۶۳: شتاب پیش از توانایی برکار و سستی پس از به دست آوردن فرست از پی خردی است.

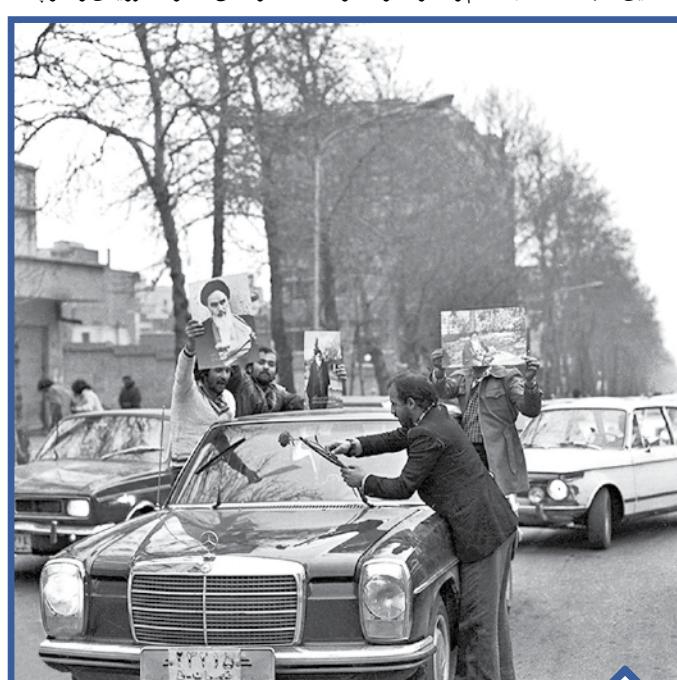
وفعیت آب و هوای امروز:



این قاب مدت‌ها باسلام و صلوات و دعا و تنا دست زده می‌شد و حالا رویش رد دو پاشنه پاست و جمله کوتاه «غم شد».



فنوشاب در محل بدون زخم و خونریزی. یک جایه‌جایی رثا و واقعی. یک طراحی گرافیکی که هم بار



بنز معماهی سرمایه‌ای است پاسیا. مرد پیاده دارد به برق پاک‌هاگل نصب می‌کند و سه مرد از شیشه‌های ماشین عکس امام به دست گرفته‌اند. این انقلاب همه بود، همه مردم.



بدون شرح، مرد عکس شاهنشاه آریامهر را که مردم از ترس ساواک شب در دهانشان ریگ می‌گذاشتند که حرفی نزنند توهین باشد به اعلیحضرت، حالا عکسش را جسم دریده و جسبانده پشتش.



قباب عجیبی است. یک دست مثل شمشیری از نیام بیرون آمد و انجار فرمان افتادن تنديس شاه پدر را داده است. این لحظه و لحظه‌ها رفتارهای چوکه‌چوکه محمد رضا را در خفت و دور از حاکش کشت.

مروری بر حال و هوای ۲۶ دی ۱۴۰۰ یک روز مانده به سالروز فرار محمدرضا شاه از کشور

روز خنده‌ما بود

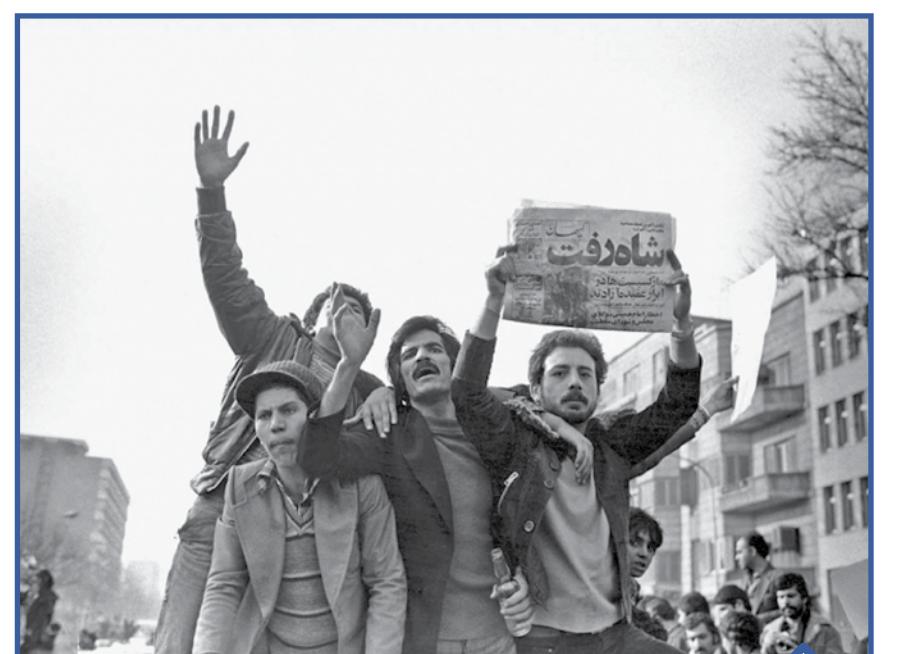
جمعه است ساعت سه و نیم بعد از ظهر، در صفحه پیلم، بیلت کاخ سعدآباد، دیشب نم بارانی زده و خیابان‌ها خیسند. طوطی‌ها جشن گرفته‌اند و چهار خوشحالند. صدای پیام‌گوشی پاشت سرهم می‌آید. محمد تقی است: «گالری روح‌کنیم؟ می‌گوییم بگذر تقویم را ببینم، خودش اما سوژه در آستین دارد و فوری می‌گوید فرار شاه خوب است؟ موئیز خنده می‌فرستم، می‌گوید خنده داشت؟ می‌گوییم نه! اگر بدانی کجا می‌توهم می‌خندی، می‌گوید کجا بی؟ می‌گوییم سعدآباد. حالانویت خنده‌بین اوست. انقلاب ۵۷ اینقلاب پیش‌پرخاسته از کوچه‌های بود که رفتارهای شعله‌ور شد و ۲۵ سال پادشاهی و سلطنت را در خود بایدید. انقلابی که آرمان‌هایش را که می‌خوانی و می‌بینی ازشدت احترام به انسان و اعتایش متعجب می‌شوی، هچند هنوز از آن حرفاها تعلمی انجام نداریم. منبر تمام، باقی می‌بندیم فرار شاه را کار کنیم، سی و خردای عکس می‌فرستد و بین شان اینها را انتخاب می‌کنم و من شود گالری شنبه شما. صفحه‌هایی از یک پایان شاد.



حامد عسکری
شاعر و نویسنده



نگاه‌های همه‌نظامی است، خشک و بخیزده. محمدرضا دقیقاً به هیچ‌نگاهی کنده‌های هیچستان، بی‌تفاوت به بوسه ژنرالی نظمی و بغضی که از اینجا هم شورای اش بعد از چند دهه ته گلوخس می‌شود، یعنی عکاس چه حالی داشته؟



کوتاه‌ترین، موجزترین و درشت‌فونت‌ترین تیتر تاریخ مطبوعات ایران، تیتری که گویای همه چیز است و حتی ارشاد بر می‌گشت هم نمی‌توانست کسی بیهشان کند. صراحتاً داده بود، نه دروغ بود، نه توهین، نه جبهه‌گیری و قضاوی.



اینجا خیابان ولی‌عصر است. از آنجا می‌گوییم که تابلوی خیابان پهلوی را کنده است و گرفته جلوی عکاس و داد پیروزی را جاری می‌زند.